

## استفاده منطقی از منابع جنبی در تصحیح شاهنامه<sup>۱</sup>

ابوالفضل خطیبی\*

چکیده: در این مقاله با عرضه شواهدی از برخی بیت‌های شاهنامه، نشان داده شده است که در تصحیح انتقادی این اثر، باید از شیوه‌های مختلفی استفاده کرد تا بتوان به اصل سروده شاعر دست یافت یا بدان نزدیک شد. گذشته از نسخه‌های خطی کهن شاهنامه، مصحح می‌تواند با استفاده از روش تحقیقی و با اتکا به منابع جنبی، تصحیح دقیق‌تری از متن به دست دهد. برخی از این منابع عبارتند از: ترجمه بنداری از شاهنامه، تواریخ عربی و فارسی، برخی متون فارسی که بیت‌هایی از شاهنامه را نقل کرده‌اند و متون بازمانده پهلوی. در این مقاله چگونگی استفاده از این منابع در تصحیح متن شاهنامه شرح داده شده است.

کلیدواژه: شاهنامه، تصحیح انتقادی، منابع جنبی، نسخه خطی.

شاهنامه فردوسی، کتاب محبوب ایرانیان، با اینکه طی هزار سال گذشته مرتباً کتابت شده و بیش از هزار نسخه خطی آن در کتابخانه‌های مختلف جهان نگهداری می‌شود، نسخه قدیمی از آن در دست نیست و کهن‌ترین آنها، یعنی نسخه ناقص فلورانس، مورخ ۶۱۴ هجری قمری بیش از دو قرن با اتمام سرایش شاهنامه (حدود ۴۰۰ ه. ق) فاصله

---

۱. خلاصه‌ای از این مقاله در همایش بررسی آثار و احوال فردوسی که از ۲۳ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۵، در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد، قرائت شده است.  
\* عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

دارد. بنابراین در تصحیح این اثر جاویدان زبان فارسی، نباید همه جا عین ضوابط و معیارهای تصحیح انتقادی (critical edition) را که دانشمندان غربی مدوّن کرده‌اند، به کار بست. بلکه شایسته است این ضوابط را با ضوابط دیگری که باید اختصاصاً برای متن شاهنامه مدوّن شود، تکمیل کرد. به نظر بنده، بهترین شیوه تصحیح شاهنامه، شیوه‌ای است که دکتر جلال خالقی مطلق برای نخستین بار از حدود سی و پنج سال پیش به کار بسته و آن شیوه تحقیقی است. در این شیوه در عین توجه به ضوابط تصحیح انتقادی متن، بی آنکه از این ضوابط کورکورانه پیروی شده باشد، پس از تحقیق در متون دیگر، از میان ضبط‌های موجود در نسخه‌ها، درست‌ترین آنها انتخاب و بقیه در حاشیه ضبط می‌شوند. در این شیوه، تصحیح ذوقی جایی ندارد و همواره ضبط موجود در نسخه‌ها اگرچه تباه شده، اساس تصحیح و گزینش متن مختار است. با این همه، در موارد نادر، آنجا که ضبط‌های همه نسخه‌ها تباه شده باشد، بر اساس شواهد و قراین استوار، آن هم با اتکا به همان ضبط‌های تباه شده و منابع دیگر، تصحیح قیاسی صورت گرفته است.

در شیوه تحقیقی تصحیح متن شاهنامه، به جز نسخه‌ها، منابع جنبی جایگاه ویژه‌ای دارند و در فقدان نسخه‌ای قدیمی از شاهنامه، این منابع مصحح را در تشخیص یا کشف صورت اصلی یاری می‌رسانند. این منابع را می‌توان به چهار گروه عمده دسته‌بندی کرد:

(الف) ترجمه عربی شاهنامه به قلم بنداری اصفهانی در سال‌های ۶۲۰-۶۲۱ ه. ق

(ب) منابع عربی و فارسی قرون اولیه دوره اسلامی

(ج) برخی متون کهن زبان فارسی که بیت‌هایی از شاهنامه را نقل کرده‌اند

(د) متون پهلوی

### الف) ترجمه عربی شاهنامه

در تصحیحات پیشین، به ویژه دو تصحیح مهم ژول مول و دانشمندان شوروی، معروف به چاپ مسکو، استفاده از منابعی که یاد کردیم، در تصحیح متن تقریباً جایی نداشته است. درست است که در چاپ مسکو برای نخستین بار از ترجمه بنداری استفاده شده و در برخی مواضع بخش‌هایی از آن عیناً نقل شده است، اما دانشمندان

شوروی اهمیت ترجمه بنداری را در تشخیص صورت اصلی سروده شاعر به درستی دریافتند. زیرا آنان به تصور اینکه کتاب بنداری ترجمه‌ای دقیق از شاهنامه است، در دو جلد نخستین، بیت‌های بسیاری را که در این ترجمه نبوده، به حاشیه یا پایان کتاب برده، یا در متن، درون قلاب شک و تردید نهادند. حال آنکه بنداری بی‌گمان در بسیاری جاها متن را تلخیص کرده و بدیهی است که نبود بیت یا بیت‌هایی در این ترجمه دلیل بر نبود آنها در متن شاهنامه نتواند بود. مصححان شوروی در جلدهای بعدی که متوجه اشتباهشان شده بودند، از این سوی بام افتادند و با نادیده گرفتن ترجمه بنداری، در غالب موارد بیش از حد به اقدم نسخه‌های شاهنامه که در آن زمان نسخه محفوظ در موزه بریتانیا به تاریخ ۶۷۵ هجری قمری بود، اتکا کردند و در مواضعی که ترجمه بنداری در تقابل با ضبط یگانه اقدم نسخه‌ها، ضبط نسخه‌های دیگر را همراهی می‌کرد، نتوانستند خود را از زیر سیطره اقدم نسخه‌ها برهانند. از این رو، با اینکه ترجمه بنداری را گاه ثبت کردند، ضبط یگانه و برساخته اقدم نسخه‌ها را در متن جای داده و به ضبط درست مذکور در ترجمه بنداری و نسخه‌های دیگر اکتفا نکردند.<sup>۱</sup>

اینجانب طی ۷ سال گذشته که در تصحیح دفتر هفتم شاهنامه و نگارش یادداشت‌های آن، افتخار همکاری با دکتر خالقی مطلق را یافتیم، کارآیی شیوه تحقیقی و استفاده از منابع جنبی، به ویژه ترجمه بنداری را بارها و بارها آزمودم. درست است که ترجمه بنداری به سبب ترجمه بودن و به ویژه در بسیاری موارد خلاصه بودن، نمی‌تواند در ردیف نسخه‌های اصلی شاهنامه قرار گیرد، ولی اهمیت فراوان آن را در تصحیح متن به هیچ روی نباید نادیده گرفت. زیرا نسخه اساس ترجمه، به احتمال فراوان به قرن ششم هجری قمری تعلق داشته و از این رو از کهن‌ترین نسخه‌های موجود شاهنامه نیز کهن‌تر بوده است. بنابراین در بسیاری موارد، ترجمه بنداری می‌تواند نسخه اساس تلقی شود. به نمونه‌های زیر توجه فرمایید:

۱) معمولاً در کتاب‌های درسی و تحقیقی درباره شاهنامه، برای نشان دادن چیرگی

۱. برای نقد مفصل بر شاهنامه چاپ مسکو، نک: خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۶).

فردوسی در سخن سرایی و حماسه سرایی، به بیت‌های زیر از رزم رستم و اشکبوس استناد شده است. رستم به کمر اشکبوس چنگ می‌زند و:

یکس تیر الماس پیکان چو آب	نسهاده بسرو چار پَرّ عقاب
کمان را بمالید رستم به چنگ	به شست اندر آورد تیر خدنگ
برو راست خم کرد و چپ کرد راست	خروش از خم چرخ چاچی بخاست
چو سوفارش آمد به پهنای گوش	ز شاخ گوزنان برآمد خروش
چو بوسید پیکان سرانگشت اوی	گذر کرد بر مهره پشت اوی <sup>۱</sup>

اما در تصحیح دکتر خالقی<sup>۲</sup> هر پنج بیت به حاشیه رفته است. خواننده علاقه‌مند به شاهنامه حق دارد که از این تصحیح تعجب کند. زیرا این بیت‌ها چنان سخته و استوارند که به هیچ روی نمی‌توان آنها را الحاقی دانست. هیچ عنصر الحاقی نیز در این بیت‌ها دیده نمی‌شود. پس قضیه چیست؟ بنده در تصحیح دفتر هفتم، در جنگ بهرام چوین با ساوه‌شاه چینی دیدم، هر پنج بیت در همه نسخه‌های مبنای تصحیح دکتر خالقی آمده است (برخی نسخه‌ها فقط بیت سوم را نداشتند). به یاد آمد که این بیت‌ها را تاکنون به رزم رستم و اشکبوس مربوط دانسته‌اند. پس از مراجعه به دفتر سوم تصحیح دکتر خالقی، متوجه شدم که همه این بیت‌ها بدان سبب که در کهن‌ترین نسخه‌ها، یعنی فلورانس ۶۱۴ و لندن ۶۷۵ و نیز در ترجمه بنداری نبوده، به حاشیه رانده شده‌اند. مسئله اصلی این است که دکتر خالقی، هنگام تصحیح داستان رزم رستم با اشکبوس، هوشمندانه دریافته بود که همه این بیت‌ها اصیل‌اند، ولی نه به این داستان، که به جنگ بهرام چوین با ساوه‌شاه تعلق دارند.<sup>۳</sup> بنابراین وجود ترجمه این بیت‌ها در کتاب بنداری، در بخش مربوط به نبرد بهرام چوین با ساوه‌شاه<sup>۴</sup> نه در داستان رستم و اشکبوس، قرینه استواری است که مصحح را در تصمیم‌گیری سخت یاری می‌رساند.<sup>۵</sup> جالب اینجاست

۱. چاپ مسکو، ج ۴، ص ۱۹۶-۱۹۷، ب ۱۲۹۸-۱۳۰۲.

۲. تصحیح خالقی مطلق: ج ۳، ص ۱۸۴، پانویس ۱۸.

۳. خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۱): ص ۴۶۱-۴۶۰. ۴. تصحیح خالقی مطلق: ج ۲، ص ۱۸۵.

۵. نک. چاپ خالقی مطلق - خطیبی: ج ۷، ص ۵۳۹-۵۴۰، ابیات ۸۹۲-۸۹۶ ضبط این بیت‌ها در تصحیح ←

که در چاپ مسکو (ارجاع پیشین چاپ مسکو را بسنجید با: ج ۸، ص ۳۶۷-۳۶۸، ب ۸۸۵-۸۸۹ و زول مول، ج ۲، ص ۶۲، ب ۱۴۱۴-۱۴۱۸، فس: ج ۶، ص ۳۱۰-۳۱۱، ب ۹۰۸-۹۱۱) و برخی چاپ‌های دیگر، این پنج بیت در هر دو داستان آمده است که به نظر بنده قطعاً اشتباه است. زیرا به هیچ روی نمی‌توان تصور کرد که صحنه کشته شدن دو پهلوان (اشکبوس و ساوه شاه)، یکی در بخش پهلوانی و دیگری در بخش تاریخی شاهنامه، کاملاً یکسان، آن هم در همه جزئیات تصویر شده باشد. بلکه منشأ این همانندی شاید آن باشد که کاتب یا شاهنامه‌خوانی در یکی از نسخه‌ها، این بیت‌های مهیج و زیبا را که از جنگ بهرام چوین با ساوه شاه در خاطر داشته، در شرح کشته شدن اشکبوس به دست رستم، کناره نسخه خود نوشته و کاتبی که از روی این نسخه کتابت می‌کرده، این بیت‌ها را داخل متن کرده است.

(۲) خاقان چین به سفارش رای‌زنان دربار خود، با خسرو انوشیروان از در آشتی در می‌آید و سفرایی همراه با نامه‌ای به سوی ایران روانه می‌کند. در توصیف سفرا گفته شده است:

ز لشکر سخن‌گویی ده برگزید  
که دانند گفتارِ دانا شنید<sup>۱</sup>

مصراع دوم مطابق است با ضبط اقدم نسخه‌ها، ضبط نسخه‌های دیگر چنین است:

استانبول ۷۳۱: که گوید چو گفتار و داند شنید

کراچی ۷۲۵: که گویند گفتار و داند شنید

قاهره ۷۹۶: که گفتار گوینده داند شنید

لنینگراد ۷۳۳ و ۸۴۹: که گوید و گفتار داند شنید

هیچ یک از این صورت‌ها چنگی به دل نمی‌زنند و ضبط اقدم نسخه‌ها (لندن ۶۷۵) نیز که در بیت بالا آمده، سخت نارساست. در اینجا ترجمه بنداری (ج ۲، ص ۲۲۳) راهنمای خوبی است برای تشخیص صورت درست مصراع:

۱. ما با بیت‌های بالا از چاپ مسکو متفاوت است.

۱. چاپ مسکو، ج ۸، ص ۱۶۶، ب ۱۹۲۴.

مِمَّنْ يَحْسُنُ أَنْ يَقُولَ وَيَسْمَعَ

قطعه بالا ترجمه‌ای است از این مصراع: «که داند سخن گفت و داند شنید». این ضبط در چهار نسخه استانبول ۹۰۳، لندن ۸۴۱، واتیکان ۸۴۸ و آکسفورد ۸۵۲ باقی مانده است.<sup>۱</sup>

(۳) در برابر سخنان گستاخانه پرموده، پسر ساوه شاه چینی که به اسارت بهرام چوین در آمده است:

برآشفت بهرام و شد شوخ چشم ز گفتار پرموده آمد به خشم<sup>۲</sup>

«شوخ چشم» در مصراع یکم برابر است با ضبط اقدم نسخه‌ها و سه نسخه دیگر، ضبط «سرخ چشم» را دارند. در اینجا مصحح کدام ضبط را باید اختیار کند؟ اگر نسخه اساس ملاک قرار گیرد، ضبط «شوخ چشم» در متن جای می‌گیرد، چنانکه در چاپ مسکو جای گرفته است. ولی در اینجا بدان سبب که ترجمه بنداری ضبط نسخه‌های مقابل اقدم نسخه‌ها را تأیید می‌کند، باید همان را به عنوان نسخه اساس تلقی کرد و ضبط «سرخ چشم» را به متن برد. ترجمه بنداری<sup>۳</sup> چنین است:

فَتَنَمَّرَ بِهَرَامٍ حَتَّى إِحْمَرَّتْ أَحْدَاقَهُ

(۴) بدو (بهرام چوین) گفت خاقان که هر شهریار

کنه از نسیک و بد برنگیرد شمار

بسه بد کردن بنده خامش بود

بر من چنان دان که بی‌هش بود

مصراع پایانی مطابق است با ضبط یگانه اقدم نسخه‌ها، ضبط بقیه نسخه‌ها چنین است:

استانبول ۷۳۱، قاهره ۷۴۱ و پنج نسخه فرعی دیگر: «چنان دان که بی‌مغز و بی‌هش

بود»

لنینگراد ۷۳۳ و ۸۴۹: نو او را چنان دان که بی‌هش بود

۱. نک. تصحیح خالقی - خطیبی: ج ۷، ص ۲۵۰، ب ۱۹۲۷.

۲. چاپ مسکو، ج ۸، ص ۲۸۷، ب ۱۲۰۳. ۳. ترجمه بنداری: ج ۲، ص ۱۸۸.

پاریس ۸۴۴: چنان دان تو او را که بی هش بود  
 اما ترجمه بنداری (ج ۲، ص ۱۸۹) ضبط سه نسخه کراچی ۷۵۲، استانبول ۹۰۳ و قاهره  
 ۷۹۶ را تأیید می‌کند و همین درست است:

تویی می چنان دان که بی هش بود

أَنْهَ سَكْرَانٌ وَإِنْ لَمْ يَشْرَبْ خَمْرًا

این مصراع سخته و استوار و پر معنا کجا و آن مصراع کاملاً معمولی و ساده که  
 احتمالاً بر ساخته کاتب اقدم نسخه‌هاست، کجا!

### ب) منابع عربی و فارسی قرون اولیه اسلامی

این منابع در بخش مربوط به تاریخ ایران عموماً از تحریرهای عربی خدای‌نامه  
 پهلوی، یعنی تاریخ رسمی دوره ساسانی بهره برده‌اند و از آنجا که سرچشمه روایات  
 شاهنامه نیز با میانجی (شاهنامه ابومنصوری، تألیف در سال ۳۴۶ هـ. ق) به تحریرهایی  
 از همین خدای‌نامه می‌رسد، منابع عربی و فارسی مانند تاریخ طبری، اخبارالطوال  
 دینوری، نه‌ایة الارب فی اخبار الفرس و العرب و جز آنها در بسیاری موارد گره‌گشای  
 مشکلات مصحح خواهد بود. اینک دو مثال:

(۱) در زمان پادشاهی هرمزد، پسر خسرو انوشیروان، از هر طرف دشمنان به  
 ایرانشهر جنگ می‌اندازند، از جمله:

ز دشت سواران نیزه‌گزار سپاهی بیامد فزون از شمار

چو عباس و چون حمزه‌شان پیشرو سواران و گوردن فرازان نو<sup>۲</sup>

در بیت دوم، اقدم نسخه‌ها و یک نسخه دیگر ضبط «حمزه» را دارند و بقیه «عمرو».  
 در چاپ مسکو مطابق معمول، ضبط اقدم نسخه‌ها به متن رفته است. ولی در اینجا  
 تاریخ طبری (ص ۲۹۲) ضبط نسخه‌های مقابل اقدم نسخه‌ها را دارد (عمرو ازرق) و

۱. نک. تصحیح خالقی مطلق - خطیبی: ج ۷، ص ۵۶۹، ب ۱۲۴۸-۱۲۴۹.

۲. چاپ مسکو، ج ۸، ص ۳۳۱، ب ۲۷۶-۲۷۷.

همین درست است.<sup>۱</sup>

۲) در مجالس هفت‌گانه بوزرجمهر با موبدان، از بوزرجمهر می‌پرسند:

دگر گفت کوشش ز اندازه بیش	چه گویی کزین دو کدامست پیش
چنین داد پاسخ که اندر خرد	جز اندیشه چیزی نه اندر خورد
بکوشی چو در پیش کار آیدت	چو خواهی که رنجی به بار آیدت <sup>۲</sup>

بیت‌های بالا سخت مبهم‌اند. در مصراع دوم بیت یکم صحبت از دو چیز است، ولی در مصراع اول یک چیز بیشتر نیست: «کوشش ز اندازه بیش». در اینجا ضبط نسخه‌ها هیچ کمکی به حلّ مشکل نمی‌کند. فقط نسخه بی‌تاریخ لنینگراد ما را به ضبط اصلی راهنمایی می‌کند: «دگر گفت کوشش به اندیشه بیش»<sup>۳</sup> پس در اینجا دو چیز با هم مقایسه شده است: کوشش و اندیشه. متن عربی نه‌ایة الارب فی اخبار الفرس و العرب<sup>۴</sup>، بخش‌هایی از این مجالس را دارد و در بسیاری موارد نزدیک به متن شاهنامه است. در اینجا پرسش چنین طرح شده است: الفکره افضل، ام الاجتهاد (ص ۳۳۹) «فکر» و «اجتهاد» در این روایت ترجمه «اندیشه» و «کوشش» است. بنابراین متن نه‌ایة الارب به مصحح اطمینان می‌دهد که در بیت یکم در غالب قریب به اتفاق نسخه‌ها «اندیشه» به «اندازه» تصحیف شده و منشأ تصحیف احتمالاً آن بوده است که کاتبان با اندرز «کوشش بیش از اندازه، رنج بیهوده و آز است و باید از آن کناره گرفت» آشنا بوده‌اند و در اینجا بدون توجه به بافت سخن همان را کتابت کرده‌اند.<sup>۵</sup> گذشته از این، در بیت دوم، دقیقاً لفظ «اندیشه» آمده است که ضبط مختار ما را کاملاً تأیید می‌کند. در مورد این بیت شایسته است نکته جالب دیگری نیز خاطر نشان شود و آن اینکه مصححان شوروی چنان برای

۱. نک: تصحیح خالقی مطلق - خطیبی: ج ۷، ص ۴۸۹، ب ۲۹۲.

۲. چاپ مسکو، ج ۸، ص ۱۲۳، ب ۱۱۷۵-۱۱۷۳. ۳. همان، پانوش ۲۶.

۴. نگارنده در مقاله‌ای نشان داده است که بخش تاریخ ایران نه‌ایة الارب از ترجمه عربی این مقطع از خدای نامه بهلوی، یعنی کتاب مشهور سیرالملوک او گرفته شده است (خطیبی، ابوالفضل: ۱۳۷۹).

۵. در جای دیگر شاهنامه، این اندرز چنین بیان شده است:

چو کوشش از اندازه اندر گشت

چنان دان که کوشنده نومید گشت

(چاپ خالقی مطلق - خطیبی: ج ۷، ص ۱۹۴، ب ۱۲۶۷)



اقدام نسخه‌ها تقدس قائل شدند که در بسیاری موارد، از جمله در این بیت‌ها به بهای اغتشاش متن و بی‌معنی شدن بیت، ضبط‌های آن را در متن حفظ کردند. ضبط درست با اینکه در یکی از نسخه‌های ایشان بوده، به حاشیه رفته است. جالب‌تر اینکه بنا به تحقیق بنده در صدها بیت، این نسخه، ضبط تعیین‌کننده‌ای ندارد؛ فقط در همین جا که ضبط درست را حفظ کرده، در چاپ مسکوب به حاشیه رفته است.

ج) برخی متون کهن زبان فارسی که بیت‌هایی از شاهنامه را نقل کرده‌اند

آن دسته از این منابع که در قرون پنجم و ششم و هفتم، یعنی پیش از تاریخ کهن‌ترین نسخه‌های شاهنامه یا مقارن آنها تألیف شده‌اند، مانند لغت فرس، *راحة الصدور*، *فرائدالسلوک* و *اختیارات شاهنامه*، مصحح را نیک یاری می‌رسانند، ولی در این موارد، آثار فارسی قرون هشتم هجری به بعد کمتر اهمیت دارند. به مثال زیر توجه فرمایید: خسرو انوشیروان پس از شورش پسر مسیحی‌اش نوشزاد، در نامه‌ای به مرزبان مدائن، بدو مأموریت می‌دهد که شورش پسر را سرکوب کند. خسرو پس از اشاره به نامه‌ای که در آن نوشزاد به دروغ خبر مرگ پدر را اعلام کرده بود، می‌گوید:

که جز مرگ را کس ز مادر نژاد	ز کسری برآغاز تا نوش زاد
رها نیست از چنگ و متقار مرگ	پی پشه و مور با پیل و کرگ
زمین گر گشاده کند راز خویش	بپیماید آغاز و انجام خویش
کنارش پر از تاجداران بود	برش پر ز خون سواران بود
پر از مرد دانا بود دامنش	پر از خوب‌رخ جیب پیراهنش
چه افسر نهی بر سرت بر چه ترگ	بدو بگذرد زخم پیکان مرگ <sup>۱</sup>

۱) در بیت سوم باز هم مصححان شوروی به بهای تباه شدن قافیة بیت (راز - انجام)، ضبط یگانه و معیوب اقدام نسخه‌ها را حفظ کرده‌اند. بنده نخست بر اساس ضبط برخی نسخه‌ها، مصراع دوم این بیت را بدین صورت تصحیح کردم: «بپیماید انجام و آغاز

خویش»<sup>۱</sup> با این تصحیح قافیه بیت درست است و در معنی بیت نیز اشکالی دیده نمی شود. اما دکتر خالقی مطلق بر اساس ضبط این بیت در *راحة الصدور* راوندی (تألیف در ۵۹۹ ه. ق، یعنی حدود ۷۵ سال پیش از تاریخ اقدم نسخه های کامل شاهنامه) مرا به تصحیح بهتری راهنمایی کرد. مصراع دوم در کتاب مذکور چنین است:

«بیماید اندازه کاز خویش»<sup>۲</sup>

عین همین ضبط در نسخه پاریس ۸۴۴ نیز دیده می شود و صورت های نزدیک به کاز مانند ساز، آغاز و باز در برخی نسخه های دیگر آمده است. «کاز» به معنی «خانه، کلبه، خانه کشاورز و چادر سربازان» است و در جای دیگر شاهنامه<sup>۳</sup> و گرشاسب نامه<sup>۴</sup> به گونه «کازه» دیده می شود. در این مصراع مطابق مهم ترین اصل تصحیح متن، یعنی اصل «ضبط دشوارتر برتر است» ضبط «کاز» بر «آغاز» ترجیح دارد.<sup>۵</sup>

۲) در مصراع دوم بیت پایانی، ضبط «زخم پیکان» فقط در اقدم نسخه ها آمده و گذشتن «زخم پیکان» بر سر غریب می نماید. نسخه قاهره ۷۹۶ ضبط «چنگ و دندان» را دارد و دوازده نسخه دیگر «پَر و پیکان». در این مصراع، گذشته از آنکه نباید به ضبط منفرد اقدم نسخه ها چندان اعتماد کرد و همخوانی دوازده نسخه از خانواده های مختلف را نادیده گرفت، ضبط «پَر و پیکان» در همین بیت منقول در *راحة الصدور* راوندی (ص ۹۲) نیز کفّه ترازو را به سود ضبط اکثریت نسخه ها سنگین تر می کند. در این بیت، «پَر» اشاره دارد به سوفار یا دنباله تیر که معمولاً از پر پرندگان شکاری، مانند عقاب و کرکس و جز آنها می گرفتند و پیکان، هم به معنی تیر و هم به معنی قسمت نوک تیز تیر است. می گوید: هنگامی که زمان مرگ فرا رسد، چه پادشاه باشی (افسر نهی) و چه سرباز سزاده (ترگ نهی) تیر و سوفار مرگ از سرت می گذرد.<sup>۶</sup>

۱. خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۶): ص ۱۷۶. ۲. راوندی، محمد: ص ۹۱.

۳. تصحیح خالقی مطلق: ج ۳، ص ۱۷۵، ب ۱۱۵۷.

۴. اسدی طوسی: ص ۳۱۲، ب ۲، ص ۳۲۰، ب ۴۷.

۵. نک. جاب خالقی مطلق - خطیبی: ج ۷، ص ۱۵۱، ب ۸۱۱.

۶. برای این بیت نک. شاهنامه، همانجا، ب ۸۱۴.

## (د) متون پهلوی

در برخی موارد بین گزارش‌های موجود در متون پهلوی مانند کارنامه اردشیر بابکان، اندرزنامه‌های پهلوی از یک سو و روایات شاهنامه، از سوی دیگر همانندی‌هایی دیده می‌شود که از منشأ مشترک آنها حکایت دارد. دو نمونه می‌آوریم:

(۱) بوزرجمهر در برابر شطرنج هندیان، بازی نرد را ابداع می‌کند و در توصیف آن

گفته شده است:

زمین‌وار لشکرگهی چار سوی دو شاه گرانمایه و نیک‌خوی...<sup>۱</sup>

در مصراع یکم ضبط «زمین‌وار» فقط در اقدم نسخه‌ها آمده است و بقیه نسخه‌ها،

ضبط‌هایی دارند مثل:

«بگسترده»، «زمین‌بهن»، «زمی باز و». در متن پهلوی گزارش شطرنج و وضع نرد آنکه با

آنچه در این باره در شاهنامه آمده، بسیار نزدیک است، بزرگمهر بُختگان صفحه نرد یا

نیواردشیر ساخته خود را چنین توصیف می‌کند (بند ۲۰)

Taxtag ī nēw- ardaxšīr ō spāndarmad zamīg homānāg kunom.

تخته نیواردشیر به زمین اسپندارمد همانند کنم.<sup>۲</sup>

بر این اساس، ضبط اقدم نسخه‌ها، یعنی زمین‌وار (مانند زمین) بر ضبط‌های دیگر

ترجیح دارد.

(۲) خسرو، ولیعهد قباد به منظور مناظره با مزدک، موبدان دانشمند را از شهرهای

مختلف به تیسفون فرا می‌خواند:

که آنجا بد از داد هر مزد پیر

کس آمد سوی خره اردشیر

بیامد به درگاه با یار سی<sup>۳</sup>

ز اصطرخر مهرآذر پارسی

مصراع دوم بیت یکم مطابق است با ضبط یگانه اقدم نسخه‌ها. ضبط نسخه‌های دیگر

عبارتند از:

۱. جاب مسکو، ج ۸، ص ۴۱۱، ب ۲۷۱۸.

2. Wizārišn ī Čatrang ud nihišn ī nēw - ardaxšīr.

۳. جاب مسکو، ج ۸، ص ۴۷، ب ۳۰۲-۳۰۳.

۴. برای این بند، نیز نک. 301: p. daryace 2002.

استانبول ۷۳۱، قاهره ۷۴۱، کراچی ۷۵۲، لندن ۸۹۱: که آید به درگاه هرمزد پیر

استانبول ۹۰۳: که آید به در دار هرمزد پیر

پاریس ۸۴۴: که آید بدان کار هرمزد پیر

نام این موبد در برخی متون پهلوی و فارسی زرتشتی در زمره انجمن موبدانی که خسرو انوشیروان برای مقابله با مزدک از شهرهای مختلف فرا می خواند، آمده است: در زند بهمن یسن (فصل ۲، بند ۲) نیوشاپور، پسر داد اهرمزد (dād ohrmazd) و در روایات داراب هرمزد یار (ج ۲، ص ۸۷) دادار هرمزد. بنابراین نام این موبد، داد هرمزد یا دادار هرمزد بوده است.

پس در مورد این مصراع باید ضبط سه نسخهٔ لنیننگراد ۷۳۳ و ۸۴۹ و برلین ۸۹۴ اصلی باشد: «که آید به در داد هرمز پیر». چنانکه ملاحظه می شود، گذشته از این سه نسخه و منابع مذکور، ضبط نسخهٔ مهم استانبول ۹۰۳ که به رغم متأخر بودن، بسیاری از ضبط‌های کهن شاهنامه را حفظ کرده، به ضبط مختار ما بسیار نزدیک است. در اینجا مهارت کاتب خوش ذوق و باسواد اقدم نسخه‌ها در تغییر مصراع آشکارا دیده می شود، او مصراع را به گونه‌ای تغییر داده است که «داد»، بخشی از نام موبد، معنی واژگانی دهد (دادگری). شاید ناآشنایی واژه «در» به معنی دربار و درگاه نزد کاتبان منشأ تحریفات در این مصراع بوده باشد. به هر روی بر اساس ضبط اقدم نسخه‌ها ظاهر مصراع درست است: که در اردشیر خرّه هرمزد پیر بود که به دادگری معروف بود؛ ولی با اندکی تأمل مشخص می شود که جمله ناتمام مانده است. اما مطابق ضبط مختار ما هم نام درست موبد حفظ شده و هم جمله کامل است و مفهوم<sup>۱</sup>: کسی سوی اردشیر خرّه (فیروز آباد کنونی) آمد که موبد آنجا، داد هرمزد پیر را به دربار (تیسفون) فرا خواند.

در پایان شایسته است این نکتهٔ مهم را یادآور شوم که مصحح شاهنامه در استفاده از منابع جنبی در کنار نسخه‌های خطی همواره باید محتاط باشد. در درجهٔ نخست، هیچ‌گاه از ضبط موجود در نسخه‌های خود بیرون نرود و همواره آنها را مد نظر قرار دهد. مثلاً

۱. نک. تصحیح خالقی - خطیبی: ج ۷، ص ۷۶، ب ۳۰۵.

مصحح حق ندارد نام خاصی را که در همه نسخه‌های شاهنامه تصحیف یا تحریف شده و حتی به این تصحیف یا تحریف اطمینان حاصل کرده باشد، بر اساس متون بازمانده پهلوی تصحیح کند. چنانکه خوانندگان ملاحظه فرمودند، ما در تصحیح بیت‌ها هیچ‌گاه از ضبط موجود در نسخه‌ها بیرون نرفتیم. منابع جنبی مصحح را یاری می‌رساند که از میان ضبط‌های گوناگون نسخه‌ها، کدام یک را برگزیند.<sup>۱</sup>

### کتابشناسی

- اسدی طوسی، علی بن احمد (۱۳۱۷): گرشاسب‌نامه، به کوشش حبیب یغمایی، تهران.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۴۷): «سخن‌های دیرینه (سی گفتار درباره فردوسی و شاهنامه)، تهران، افکار.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۷۹): «سرگذشت سیرالملوک ابن مقفع»، یادنامه دکتر احمد تفصلی، به کوشش علی اشرف صادقی، تهران، سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶): «انتخاب اقدم یا ترجیح اصح؟ (تقدی بر شاهنامه چاپ مسکو)»، برگزیده مقاله‌های نشر دانش درباره شاهنامه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- راوندی، محمد (۱۳۳۳): «راحة الصدور»، به کوشش محمد اقبال، تهران، کتابفروشی تأیید اصفهان - امیرکبیر.
- روایات داراب هرمزد یار، به کوشش اونوالا، بمبئی، ۱۹۲۲.
- زند بهمن یسن، تصحیح متن، آوانویسی، برگردان فارسی و یادداشت‌ها از محمدتقی راشد محصل، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۰.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۸): «تاریخ الرسل و الملوک (بخش ساسانیان)»، در کتاب تاریخ ایرانیان و عرب‌ها، شودور نولدکه، ترجمه عباس زریاب، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹): شاهنامه، به کوشش ژول مول، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۱. درباره اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه، به ویژه نک. خالقی مطلق (۱۳۸۱): ص ۳۸۵-۳۱۲.

- \_\_\_\_\_ (۱۹۶۰-۱۹۷۱م): شاهنامه، به کوشش ی.ا. برتلس و دیگران، ۹ جلد، مسکو.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۸۱-۲۰۰۷م): شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق (با همکاری محمود امید سالار و ابوالفضل خطیبی به ترتیب در جلدهای ششم و هفتم)، ۸ جلد، نیویورک، بنیاد میراث ایران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۱ ق / ۱۹۳۲م): الشاهنامه، ترجمه کهن فتح بن علی بنداری اصفهانی، به کوشش عبدالوهاب عزّام، قاهره، دارالکتب المصریه.
- نه‌ایه الارب فی اخبار الفرس والعرب، به کوشش محمدتقی دانش پزوه، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
- Daryae T. (2002): " Mind, Body, and the Cosmos: Chess and Backgammon in ancient Persia", *Iranian Studies*, vol. 35. No.4, fall, pp.281-312.
- "Wizarišn ī čatrang ud nihišn ī nēw ardaxšīr" in *Pahlavi Texts*, ed, by J.M. Jamasp- Asana, 1897-1913. PP.115-120